

سرمایه اجتماعی و رفتار پرخطر؛ نمونه مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر کرمان^۱

داریوش بوستانی (استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان)

dboostani@uk.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رفتارهای پرخطر و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر کرمان صورت گرفت. در حوزه سرمایه اجتماعی، نظریه کلمن و پاتنام به عنوان چارچوب نظری، انتخاب و متغیرهای مستقل و مکانیسم ارتباطی آن با رفتارهای پرخطر از این دو دیدگاه اقتباس گردید. متغیرهای مستخرج از مدل، عبارتند از: سرمایه اجتماعی (شبکه روابط پاسخگو با معلمان و مسئولان مدرسه، شبکه روابط خانواده پاسخگو با مدرسه، شبکه روابط پاسخگو با اعضای خانواده و گروه دوستی)، سرمایه مالی (درآمد خانوار) و سرمایه انسانی (تحصیلات والدین). متغیرهای وابسته تحقیق نیز در قالب شش رفتار پرخطر مورد بررسی قرار گرفت که عبارتند از: خشونت، فکر کردن به خودکشی و اقدام به خودکشی، مصرف سیگار، مصرف مشروبات الکلی، رابطه جنسی و مصرف تریاک. به طور کلی، یافته‌های این پژوهش، مبتنی بر حجم نمونه (۵۶۵ نفر) با آشکارسازی نقش محوری مولفه‌های سرمایه اجتماعی در کاهش بروز رفتارهای پرخطر، چارچوب نظری پژوهش را تایید می‌کند. آن‌جا که نقش سرمایه انسانی و مالی خانواده (تحصیلات والدین و درآمد خانواده) در بروز رفتارهای پرخطر کم رنگ شده و گاه به آن دامن می‌زند، مولفه‌های سرمایه اجتماعی قوی تر ظاهر شده و نقش بازدارنده ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: رفتار پرخطر، سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، سرمایه مالی، دانش‌آموز، دبیرستان.

۱- اعتبار این پژوهش توسط دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان کرمان تامین شده است.

مقدمه و طرح مسئله

اگر رفتارهای انسان را بر حسب میزان سود و زیانی که برای فرد و جامعه دارد در یک پیوستار در نظر بگیریم در یک سر آن، رفتارهای بهنجار و سازگار با محیطی است که فرد در آن زندگی می‌کند و سر دیگر پیوستار به رفتارهایی ختم می‌شود که برای فرد و جامعه مضر بوده و خطراتی در پی دارد. طبیعی است که هر جامعه ای تلاش می‌کند تا از گرایش افراد به سمت منفی پیوستار جلوگیری و از بروز رفتارهای پرخطر^۱ در امان باشد. یکی از اولین اقدامات برای مدیریت رفتارها در آن سر منفی پیوستار، شناخت علمی و دقیقی این گونه رفتارها و عوامل تعیین کننده ی آن هاست. آن چه انگیزه چنین تلاش علمی را فراهم کرد، ضعف جدی اطلاعات در مورد این گونه رفتارها در میان یکی از گروه‌های سنی است که از هر لحاظ از حساسیت بالایی برخوردارند یعنی دانش آموزان دوره متوسطه و به طور خاص دانش آموزان دوره متوسطه شهر کرمان. در این جا به طور مختصر به تعریف رفتار پرخطر و سپس به طرح عملیاتی تر مسئله پژوهش در ارتباط با گروه های سنی مورد بررسی می‌پردازیم.

رفتارهای پرخطر، رفتارهای بالقوه مخربی هستند که افراد به طور ارادی، با یا بدون اطلاع از پیامدهای نامطلوب احتمالی آن، مرتکب می‌شوند (کورت و سمرز^۲، ۲۰۰۵: ۳۳۰). با کمی تعمق در ویژگی های نوجوانان و جوانان، یعنی کنجکاوی، فعالیت زیاد، خلاقیت و احیاناً ماجراجویی می‌توان پیش بینی کرد که این گروه، بیشتر مرتکب رفتارهای پرخطر می‌شوند. محققان بر این عقیده اند که عمده ترین علل مرگ و میر در میان جوانان، ناشی از رفتارهای آسیب زای آن هاست. پژوهش ها همچنین نشان داده اند که بخش عمده ای از رفتارهای پرخطر از جمله مصرف سیگار، الکل، مواد مخدر و رفتارهای جنسی نا ایمن در سنین قبل از ۱۸ سالگی شروع می‌شود (برگمن و اسکات^۳، ۲۰۰۱).

در بررسی ادبیات تحقیق، پژوهش جدی در زمینه بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتار پرخطر صورت نگرفته یکی از دلایل طرح این پژوهش بررسی چنین رابطه ای است. پژوهش هایی که منحصرأ به بررسی رفتار پرخطر پرداخته اند نیز بر حاد بودن مسئله برای گروه های سنی مورد بررسی (دوره- دبیرستان) دلالت دارند. برای مثال، یافته‌های سلیمانی‌نیا (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که یک سوم دانش آموزان

1- Risky behavior

2- Corte & Sommers

3- Bergman & Scott

دبیرستانی مورد مطالعه در دو منطقه از شهر تهران، در طول زندگی، درگیر رابطه جنسی شده‌اند که دو سوم آن‌ها در معرض خطر بیماری‌های مقاربتی بوده‌اند. همچنین طبق گزارش «مرکز مداخله بحران بهزیستی شمال استان تهران» بیش از نیمی از رفتارهای جنسی نایمن در سنین ۱۶ تا ۲۱ سالگی رخ می‌دهد (به نقل از زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۸۹). سن آغاز مصرف سیگار نیز در ایران ۱۶۶۶ سال گزارش شده است (همان). سن شروع مصرف الکل نیز غالباً بین ۱۵ تا ۱۷ سالگی است و بیش تر این افراد در آینده بر مصرف خود می‌افزایند (ماهر، ۱۳۸۳).

از جمله معیارهایی که نشانگر اهمیت و ضرورت یک پژوهش است می‌توان به چند مورد اشاره کرد. یکی مربوط بودن به مسئله‌ای عملی، مربوط بودن به جمعیتی بزرگ، یا جمعیتی پرنفوذ و سرنوشت ساز و پر کردن شکاف پژوهش (میلر، ۱۳۸۰). در واقع تمامی معیارهای فوق پیرامون موضوع پژوهش حاضر صدق می‌کند. گروه مورد مطالعه گروهی هستند که سرمایه‌های بالقوه جامعه محسوب می‌شوند. سلامت و بهروزی آن‌ها برای سرنوشت جامعه، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. این دوره از زندگی جوانان، فرصتی است که می‌توان با تأمل و تأمل، از تبدیل شدن آن به تهدید جلوگیری کرد.

همچنین از آنجا که در پژوهش‌های انجام شده پیرامون رفتارهای پرخطر، به نقش مولفه‌های سرمایه اجتماعی کمتر توجه شده، این پژوهش، در صدد است تا میزان بروز رفتارهای پرخطر را در ارتباط با سرمایه اجتماعی پاسخگویان بررسی کند. در این راستا هدف کلی پژوهش، تعریف و دنبال می‌شود.

مطالعات پیشین

تحقیق باریکانی (۱۳۸۷) پیرامون رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر تهران» به این نتیجه رسید که ۱۲٪ پاسخگویان، سیگار مصرف می‌کردند، ۳۰٪ قلیان را تجربه کرده بودند، ۱۰٪ طی یک ماه گذشته (قبل از زمان انجام تحقیق)، الکل و ۵۲ هم، هروئین مصرف کرده بودند. دانش آموزان دبیرستانی بیشتر از دانش آموزان راهنمایی مرتکب رفتارهای پرخطر می‌شدند. تفاوت جنسیتی در بروز رفتارهای پرخطر معنادار بود به این معنی که پسران بیشتر از دختران این رفتارها را انجام می‌دادند. بین تحصیلات والدین و مصرف مواد رابطه‌ی معناداری پیدا نشد اما بین متغیرهای برخورد خانواده، رضایت از زندگی و وجود افکار خودکشی با مصرف مواد رابطه معنادار مشاهده شد.

بخشانی و دیگران (۱۳۸۶) رفتارهای پرخطر مرتبط با آسیب‌های عمدی و غیرعمدی را در میان ۱۸۵۵ دانش‌آموزان دبیرستانی استان سیستان و بلوچستان بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد از ۴۲/۶٪ دانش‌آموزانی که طی ۱۲ ماه قبل از بررسی، سوار بر موتور شده بودند، ۷۸٪ آن‌ها هیچ‌گاه از کلاه ایمنی استفاده نکرده بودند. در طول یک سال گذشته ۳۹/۲٪ از دانش‌آموزان، اصلاً از کمربند ایمنی در ماشین استفاده نکرده بودند. ۲۲/۱٪ آن‌ها در طول زندگی حداقل یک روز، اسلحه (تفنگ یا چاقو) و ۶۷٪ نیز طی سال گذشته حداقل یک بار تفنگ همراه داشتند. طی ۱۲ ماه گذشته، ۵۳/۳٪ پاسخگویان حداقل یک بار در دعوا و درگیری فیزیکی شرکت داشتند. همچنین ۱۹/۶٪ دانش‌آموزان سعی کرده بودند خودشان را از بین ببرند.

زاده محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) هم وقوع رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های توصیفی نشان داد که در یک مقیاس ۵ نمره‌ای، میانگین خرده‌مقیاس‌های گرایش به جنس مخالف ۳/۲۴، رابطه و رفتار جنسی ۲/۱۵، مصرف الکل ۲، سیگار ۱/۸۷ و مصرف مواد مخدر و روانگردان ۱/۷۴ است. یافته‌های بخش استنباطی نشان داد که بین تمامی رفتارهای پرخطر، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین مصرف الکل، دوستی با جنس مخالف و مواد مخدر و روان‌گردان به همراه جنسیت (پسر) و درآمد خانواده (زیر ۲۰۰ هزار تومان) بیشترین واریانس خطر پذیری جنسی را در نوجوانان تبیین می‌کنند. از دیگر یافته‌های این پژوهش، ارتباط بین تحصیلات دانشگاهی مادر و رابطه جنسی فرزندان است. زاده محمدی و احمدآبادی معتقدند افزایش تحصیلات والدین به واسطه ارزش‌ها و هنجارهای آسان‌گیرانه و کاهش تقیدات مذهبی، منجر به افزایش اهمیت میل جنسی در نوجوانان می‌شود. اشتغال مادر و عدم حضور وی در خانه نیز می‌تواند منجر به افزایش آسیب‌پذیری نوجوانان گردد. پژوهشگران نهایتاً به این نتیجه می‌رسند که پسران خانواده‌های فقیرتر و خانواده‌هایی که والدین تحصیل کرده‌تری دارند بیش از سایرین می‌توانند به عنوان گروه هدف برای برنامه‌های پیشگیری مطرح شوند.

یکی از کارهای پژوهشی پیرامون دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر کرمان در زمینه شیوع مصرف و اعتیاد به مواد مخدر، توسط ضیاء‌الدینی و همکاران (۱۳۸۵) به شیوه سرشماری صورت گرفته است. نتایج تحلیل ۳۲۱۸ پرسش‌نامه نشان داد که ۲۶/۵٪ پسران و ۱۱/۵٪ دختران، سابقه حداقل یک بار

مصرف مواد داشتند. شیوع مصرف مواد در پسران به ترتیب میزان مصرف، الکل ۱۶/۲، تریاک ۱۱/۷، آرام بخش ها ۹/۷، حشیش ۸/۳، مواد نیروزا ۸/۲، شیر ۷/۷، ال اس دی ۵/۸ و هرئین ۵/۵ بوده است. این الگو برای دختران عبارت بود از: تریاک ۵/۱، الکل ۴/۵، مواد آرام بخش ۴/۴، حشیش ۲/۸، مواد نیروزا ۲/۸، شیر ۲/۶ و ال اس دی ۲٪.

تحقیق دیگری در کرمان (شمسی میمندی و همکاران، ۱۳۸۷)، با روش کیفی، عوامل مؤثر در گرایش به مواد مخدر را از دیدگاه دانش آموزان دبیرستانی کرمان در سال ۱۳۸۴ مورد بررسی قرار داده است. داده های به دست آمده، با توجه به کلمه ها، عبارات و مفاهیم، کدگذاری، مقوله بندی و نهایتاً تحلیل محتوا شدند. مفاهیم به دست آمده به ترتیب فراوانی در حوزه ی اقتصاد (۲۰/۱٪)، خانواده (۱۹/۱٪) و روابط (۱۴/۸٪) قرار گرفتند. مستمری بالای جوانان ثروتمند، قاچاق فروشی به عنوان یک شغل و استفاده از کودکان در جابجایی مواد از جمله مقولات به دست آمده بودند. دانش، نگرش، ارزش ها، وسایل ارتباط جمعی و تحصیل به ترتیب مبنای ۸/۹٪، ۶٪، ۵/۷٪ اظهارات مشارکت کنندگان را تشکیل می دادند. موارد مطرح شده در این حوزه ها عبارت بودند از نگرش مثبت نسبت به مصرف مواد مخدر، کمبود دانش عمومی در استفاده درمانی از مواد، گردهمایی جوانان مجرد و مشکل کنکور.

«کیفیت رابطه ولی - فرزندی نوجوانان دچار اعتیاد و نوجوانان عادی» یکی از پژوهش هایی است که به طور محدود به بررسی برخی از مولفه های سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر اعتیاد پرداخته است. جامعه آماری پژوهش را نوجوانان مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهر تهران تشکیل داده اند. یافته ها که مبتنی بر دو گروه آزمایش و گواه بود نشان داد که کیفیت رابطه ولی - فرزندی در نوجوانان خانواده های عادی در تمامی ابعاد رابطه، بهتر از نوجوانان دچار اعتیاد می باشد. کیفیت رابطه با پدر نوجوانان عادی در تمامی ابعاد رابطه، بهتر از کیفیت رابطه با پدر نوجوانان دچار اعتیاد می باشد. کیفیت رابطه با مادر نوجوانان خانواده های عادی در خرده مقیاس سردرگمی نقش، بهتر از کیفیت این رابطه در نوجوانان دچار اعتیاد می باشد. بین کیفیت رابطه با پدر و مادر نوجوانان خانواده های عادی تفاوت معناداری مشاهده نشد اما نوجوانان دارای اعتیاد، کیفیت رابطه با مادرشان به طور معناداری بهتر از کیفیت رابطه با پدرشان بود (حیدرنیا و چرخیان، ۱۳۸۵).

نتایج یک پژوهش پیرامون همه گیری شناسی خودکشی در شهر کرمان نشان می دهد که بیشترین موارد خودکشی در گروه سنی جوانان اتفاق افتاده است، در این پژوهش از تعداد ۶۲ مورد خودکشی، ۷۰٪ متعلق به مردان و ۳۰٪ متعلق به زنان بوده است. میانگین سنی خودکشی نیز ۲۶۷ گزارش شده است. در ۲۵ مورد خودکشی در شهرستان کرمان، ۷ نفر آن ها معتاد بودند. بستگان قربانیان علل خودکشی آن ها را شامل این موارد می دانند: ۶۰٪، مشکلات خانوادگی اجتماعی و تحصیلی، ۱۲٪ فقر، ۸٪ بیکاری و ۳۲٪ نیز ابتلا به بیماری اعصاب (یاسمی و دیگران، ۱۳۸۱). تحقیق دیگری که توسط یاسمی و صانعی (۱۳۷۲) در استان کرمان پیرامون خودکشی انجام شده نشان می دهد که خودکشی زنان در شهر کرمان ۱/۵ برابر مردان بوده است. بیکاری و سطح پایین تحصیلات از عوامل مرتبط با خودکشی محسوب می شود.

تحقیقات خارجی

نظام پایش رفتارهای پرخطر جوانان (YRBSS)^۱ پروژه جامعی است که سالانه در امریکا اجرا می شود. در این پروژه، شش مقوله رفتار پرخطر در میان جوانان سنجیده می شود. این رفتارها عبارتند از: رفتارهایی که منجر به آسیب ها یا انحراف غیر عمدی می شود، مصرف توتون، الکل و دیگر مواد، رفتارهای جنسی که منجر به حاملگی های ناخواسته یا انتقال بیماری می شود، رژیم غذایی غیر بهداشتی و عدم فعالیت فیزیکی. در اینجا بخشی از گزارش پروژه نظام پایش رفتارهای پرخطر که مربوط به سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ می شود ارائه می گردد. در ایالات متحده امریکا ۷۱٪ همه مرگ و میرهای افراد ۱۰ تا ۲۴ ساله ناشی از چهار عامل است: تصادف با موتور، دیگر آسیب های غیر عمدی، قتل و خودکشی. نتایج گزارش سال ۲۰۰۵ نشان داد که طی ۳۰ روز قبل از پیمایش، دانش آموزان دبیرستانی زیادی مرتکب رفتارهایی شدند که احتمال افزایش مرگ آن ها ناشی از چهار علت بوده: ۹/۹٪ ماشین یا وسیله نقلیه دیگری را در حالت مستی رانده بودند. ۱۸/۵٪ آن ها اسلحه حمل کرده بودند، ۴۳/۳٪ الکل مصرف کرده و ۲۰/۲٪ نیز ماری جوانا مصرف کرده بودند. علاوه بر این در طول ۱۲ ماه قبل از پیمایش، ۳۵/۹٪ دانش آموزان دبیرستانی درگیری فیزیکی داشتند و ۸/۴٪ آن ها تلاش کرده بودند تا خودکشی کنند. بیماری های حاد و مسائل اجتماعی در بین جوانان از حاملگی های ناخواسته و بیماری های واگیرداری از قبیل ایدز

1- Youth Risk Behavior Surveillance System

ناشی می‌شد. در سال ۲۰۰۵، ۶۷/۸٪ دانش آموزان دبیرستانی سابقه ارتباط جنسی داشتند و ۲/۱٪ نیز مواد غیر قانونی تزریق کرده بودند. بخش دیگری از یافته‌های پروژه نظام پیمایش رفتارهای پرخطر نشان می‌دهد که ۲۳٪ دانش آموزان دبیرستانی طی ۳۰ روز قبل از پیمایش سیگار کشیده بودند. (ایتون^۱ و دیگران: ۲۰۰۶)

گزارش‌های مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها در ایالات متحده، پیرامون رابطه بین تلاش برای خودکشی و درگیری فیزیکی دانش آموزان دبیرستانی، با تحلیل داده‌های سال ۲۰۰۱ به این نتایج اشاره می‌کند: دانش آموزانی که طی ۱۲ ماه قبل از پیمایش تلاش برای خودکشی را گزارش داده بودند چهار بار بیشتر از بقیه دانش آموزان، درگیری فیزیکی گزارش دادند (سی‌دی‌سی: ۲۰۰۴). بخش دیگری از یافته‌های پژوهش مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها که مبتنی بر داده‌های مربوط به سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ است نشان می‌دهد که نرخ قتل دانش آموزی غالباً در آغاز ترم پاییز و بهار تقریباً به بالاترین حد خود می‌رسد و نرخ خودکشی نیز در طول ترم بهار به نقطه اوج می‌رسد. (سی‌دی‌سی: ۲۰۰۱).

ریشتر^۳ و دیگران (۲۰۰۶) در یک مطالعه کلان در سطح ۲۸ کشور و با حمایت سازمان بهداشت جهانی، به بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی والدین و می‌خوارگی نوجوانان پرداختند. داده‌های این پیمایش در سال ۲۰۰۱ و از نمونه ۶۹۲۴۹ نفری دانش آموز پسر و ۷۳۶۱۹ نفری دانش آموز دختر جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان داد که اوضاع اجتماعی-اقتصادی خانواده تأثیر محدودی بر می‌خوارگی مکرر در میان نوجوانان دارد. با در نظر گرفتن اشتغال والدین، تفاوت‌های معناداری در میزان می‌خوارگی در ۹ کشور برای پسران و در ۶ کشور برای دختران مشاهده شد. در مقایسه با میزان نفوذ خانواده که رابطه مثبتی با خطر می‌خوارگی داشت، کاهش موقعیت شغلی کاهش خطر می‌خوارگی را پیش‌بینی می‌کرد. این الگو در تعدادی از کشورها به طور قابل ملاحظه‌ای برای پسران شناسایی شد. محققان نهایتاً این گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که پایگاه اجتماعی-اقتصادی والدین اهمیت کمی در می‌خوارگی دوران اولیه نوجوانی دارد و این نقش محدود، بیشتر برای دختران کارایی دارد تا برای پسران و برای موقعیت شغلی والدین مؤثرتر است تا برای نفوذ و تأثیر خانواده.

1- Eaton
2- CDC
3- Richter

کامپو آریاس^۱ و دیگران (۲۰۰۸) با هدف تعیین میزان گسترش الگوی رفتارهای پرخطر و عوامل مرتبط با آن در میان دانش آموزان ۱۳ تا ۱۹ ساله، مطالعه‌ای پیمایشی انجام داده‌اند. تحلیل کلی یافته‌ها نشان داد که ۲۱/۲٪ پاسخگویان حد اقل یک الگوی رفتار پرخطر (از قبیل مصرف سیگار، سابقه مصرف مواد مخدر تاکنون، آمیزش جنسی قبل از ۱۳ سالگی، مصرف الکل و رژیم نامناسب غذایی) داشتند و متغیرهایی از قبیل علایم افسردگی قابل ملاحظه، مرد بودن و نگرش ضعیف نسبت به مسیحت با الگوی رفتاری پرخطر مرتبط بود.

یافته‌های توصیفی اسپرینگر^۲ و دیگران (۲۰۰۶) پیرامون رفتارهای پرخطر جوانان دبیرستانی نواحی شهری و روستایی مرکز السالوادور نشان می‌دهد رفتارهای پرخطری که بالاترین سطح گستردگی را دارند عبارتند از: درگیری فیزیکی (۳۲/۱٪) تهدید یا مضروب شدن (۱۹/۹٪) احساس ناامیدی و سرخوردگی (۳۲/۲٪) کشیدن سیگار (۱۳/۶٪) و عدم استفاده از کاندوم در آخرین آمیزش جنسی (۶۹/۱٪). دانش آموزان شهری و پسر به طور معناداری رفتارهای پرخطر بیشتری را گزارش داده بودند. دانش آموزان دختر نیز به طور معناداری، سطح گسترده تری از احساس ناامیدی و سرخوردگی (۳۵/۶٪) فکر خودکشی (۱۷/۹٪) و در رابطه جنسی، آمیزش جنسی اجباری (۲۰/۶٪) را گزارش داده بودند.

مطالعه‌ای طولی (سیقوسدتیر^۳ و دیگران: ۲۰۰۸) در ایسلند، پیرامون گسترش مصرف مواد در میان نوجوانان، بین دو مقطع ۱۹۹۵ و ۲۰۰۶ نشان داد که شیوع سیگارکشی روزانه، مصرف الکل و مواد مخدر غیر قانونی، در سال ۱۹۹۸ به اوج خود رسیده بود. در این سال شیوع سیگارکشی روزانه تقریباً ۲۳٪، مست شدن طی ۳۰ روز گذشته (قبل از تحقیق) ۴۲٪ و مصرف یک یا چند بار حشیش در طول زندگی ۱۷٪، گزارش شده است. در سال ۲۰۰۶، سیگار کشی روزانه به ۱۲٪، مصرف الکل طی ۳۰ روز گذشته ۲۵٪ و مصرف حشیش تاکنون به ۹٪ تقلیل یافت. تحلیل یافته‌های کلی حکایت از تقلیل قابل ملاحظه مصرف مواد از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۶ دارد. محققان علت این کاهش چشم گیر را در نتیجه همکاری اجتماعات محلی می‌دانند در جایی که پژوهشگران، سیاست گذاران و مدیران اجرایی که با جوانان کار می‌کنند فعالیت هایشان را با هم ترکیب کرده اند.

1- Campo – Arias

2- Springer

3- Sigfusdottir

بررسی تحقیقات داخلی نشان داد که مطالعات رفتارهای پرخطر به طور مقطعی انجام شده و تحولات این رفتارها را طی زمان پوشش نمی دهد. یکی از عمده ترین نقطه ضعف های پژوهش های داخلی به همین مسئله یعنی عدم پایش منظم چنین رفتارهایی برمی گردد. کشورهایی همچون ایسلند و ایالات متحده به طور سالیانه به پایش رفتارهای پرخطر در گروه های سنی نوجوانان و جوانان می پردازند. مزیت چنین پیمایش های منظمی، پیشگیری و مداخله برای مدیریت چنین رفتارهای پرخطری است. یافته های پژوهش انجام شده در ایسلند کاهش محسوس رفتارهای پرخطر را نشان می دهد. محققان این پیش رفت را نتیجه هماهنگی اجتماعات محلی با برنامه ریزان، پژوهشگران و مدیران اجرایی می دانند (سیقوسد تیر و دیگران: ۲۰۰۸).

از دیگر نقاط ضعف پژوهش های داخلی، پراکنده بودن، محلی بودن، نمونه های سنی متفاوت و عدم استفاده از شاخص های یکسان برای سنجش رفتارهای پرخطر است به نحوی که نمی توان به نتیجه کامل و واحدی برای مقایسه آمارها و نهایتاً مداخله رسید. در مقابل، اغلب پژوهش های خارجی، به طور ملی و در سطح گسترده اجرا شده و شاخص های مورد استفاده نیز طبیعتاً دچار پراکندگی نمی شوند. از آنجا که اغلب پژوهش های داخلی و خارجی که چندین رفتار پرخطر را می سنجد توسط محققان در حوزه علوم پزشکی یا روانشناسی انجام می گیرد و فاقد پشتوانه نظری است به ندرت می توان در میان آن ها روابط تبیین های اجتماعی موثری پیدا کرد ضمن اینکه پژوهش جدی مخصوصاً در داخل، در زمینه بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رفتار پرخطر صورت نگرفته است. بر این اساس تحلیل ها به طور عمده در سطح رفتار و برخی متغیرهای روانشناختی از قبیل افسردگی یا اعتماد به نفس باقی می ماند.

مباحث نظری

این ایده که همبستگی اجتماعی و سلامت با هم مرتبط هستند در جامعه شناسی قدمتی یک صد ساله دارد. در اواخر قرن نوزدهم، دورکیم نشان داد که نرخ های خودکشی در جمعیت هایی که همبستگی اجتماعی پایین دارند بیشتر است و برعکس، در اجتماعات منسجم و یک پارچه، نرخ خودکشی پایین تر است. از دهه ۱۹۷۰ نیز شواهدی از رابطه کلی تر، بین سطوح سلامت و پیوندهای اجتماعی، مشاهده شد که نشان می دهد افراد دارای شبکه های اجتماعی قوی، نرخ مرگ و میرشان، نصف یا یک سوم آن هایی

است که پیوندهای اجتماعی ضعیفی دارند (فیلد^۱: ۲۰۰۳). متغیرهای اثرگذار فوق، یعنی همبستگی اجتماعی، پیوندها و شبکه‌های اجتماعی، از موضوعات محوری نظریه سرمایه اجتماعی است که صاحب نظرانی از قبیل بوردیو، کلمن و پاتنام در مورد آن، آثار ارزشمندی به جامعه علمی معرفی کرده اند. در اینجا به طور مختصر دیدگاه برخی نظریه پردازان سرمایه اجتماعی از قبیل بوردیو، فوکویاما، لین و ولکاک و نارایان، بررسی و سپس نظریات محوری مورد استفاده برای چارچوب نظری با تفصیل بیشتری طرح می‌شوند.

بوردیو از پیشگامان طرح نظریه سرمایه اجتماعی، معتقد است که این پدیده عبارت است از منابع بالفعل و بالقوه ای که به تصاحب یک شبکه بادوام روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی یا بازشناخت متقابل مربوط است (بوردیو، ۱۳۸۰). وی سرمایه اجتماعی را در راستای سرمایه های فرهنگی، نمادین و اقتصادی مطرح می‌کند اما وزن بیشتری به سرمایه اجتماعی می‌دهد. هر یک از این اشکال سرمایه بسترمند هستند و با عادتواره، میدان و پدیده هایی در ارتباط هستند که در سایر تئوری ها یافت نمی‌شود. تمرکز بر طبقه، قدرت، تضاد، شیوه های که انواع سرمایه شکل می‌گیرند و نقشی که در بازتولید و تحولات ایفا می‌کنند از ویژگی های متمایز کننده کار بوردیو است (فین^۲: ۲۰۱۰).

فوکویاما^۳ (۱۹۹۹)، از دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، معتقد است که برخی تعاریف سرمایه اجتماعی به تجلیات سرمایه اجتماعی پراخته اند تا به خود سرمایه اجتماعی. تعریف وی از سرمایه اجتماعی این گونه است، یک هنجار غیر رسمی نوعی است که همکاری بین دو یا چند فرد را تشویق می‌کند. دامنه هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی، یک هنجار معامله به مثل تا آیین هایی چون مسیحیت و کنفوسیوس گرایی را پوشش می‌دهد. از نظر وی، مولفه هایی چون اعتماد، شبکه ها، جامعه مدنی و نظایر این ها، محصول سرمایه اجتماعی هستند.

لین^۴ (۲۰۱۰) معتقد است جامعه شناسی، علمی است که به مطالعه گزینش روابط اجتماعی می‌پردازد. سرمایه اجتماعی از نظر لین، «سرمایه گذاری در روابط اجتماعی است با انتظار بازگشت آن در بازار»

1- Field
2- Fine
3- Fukuyama
4- lin

(همان: ۱۹) بازار در اینجا می‌تواند اقتصاد، سیاست، کار یا اجتماع باشد. وی در بحث از سرمایه اجتماعی به اهمیت استفاده از پیوندها و روابط اجتماعی برای رسیدن به اهداف اشاره می‌کند. سرمایه اجتماعی یا منابع حاصله از این چنین پیوندها و روابطی در راستای سرمایه انسانی، برای افراد، گروه‌های انسانی، سازمان‌ها و اجتماعات جهت رسیدن به اهداف بسیار مهم است. لاین، سرمایه اجتماعی را در ساختارهای سلسله‌مراتبی، نهادها، شبکه‌ها و تحولات اجتماعی بررسی می‌کند و با پرداختن به شبکه‌های مجازی و دهکده جهانی، ظهور سرمایه اجتماعی را در این حوزه‌ها نیز می‌بیند.

ولکاک و نارایان^۱ (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی را هنجارها و شبکه‌هایی می‌دانند که انسان‌ها را قادر می‌سازد تا گروهی عمل کنند. آن‌ها چهار رویکرد یا دیدگاه متمایز برای این پدیده معرفی می‌کنند: دیدگاه ارتباطاتی، شبکه‌ای، نهادی و هم‌افزایی^۲. اجتماعاتی که منابع متفاوتی از شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی دارند برای رویارویی با فقر، آسیب‌پذیری و نامالایمات، در موقعیت برتری قرار دارند و برعکس فقدان پیوند های اجتماعی هم‌تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر جای می‌گذارد. ولکاک و نارایان در رویکرد شبکه‌ای خود، به دو سطح سرمایه اجتماعی در سطح اجتماع توجه می‌کنند. پیوندها یا شبکه‌های درون‌گروهی قوی و پیوندها یا شبکه‌های برون‌گروهی ضعیف. بر این اساس، اجتماعات با درگیر شدن با این دو بعد سرمایه اجتماعی و ترکیب متفاوت آن‌ها، مشخص و متمایز می‌شوند.

از آنجا که متغیر وابسته این پژوهش، بروز رفتارهای پرخطر است نظریه‌های کلمن و پانتام بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظریه کلمن به این دلیل مورد استفاده قرار گرفت که به طور خاص، بر سرمایه اجتماعی در بهبود عملکرد دانش‌آموزان اشاره کرده است. پانتام نیز به تأثیر فراگیر سرمایه اجتماعی معتقد بود و سرمایه اجتماعی را زمینه‌ساز انجام بهتر امور دانسته و شواهدی مبنی بر رابطه شاخص‌های سرمایه اجتماعی با سلامت و رفتارهای انحرافی ارائه کرده است.

1- Wolcock & Narayan

2- Synergy

رابرت پانتام

رابرت پانتام پس از انتشار کتاب معروفش، بولینگ یک نفره^۱، به عنوان شناخته شده ترین مدافع سرمایه اجتماعی مطرح شد، در حالی که بورديو و کلمن در حوزه جامعه شناسی و نظریه اجتماعی چهره های معروفی بودند اما پانتام از حوزه حرفه ای خود، یعنی علوم سیاسی، فراتر رفت و به حوزه عمومی پا گذاشت (فیلد، ۲۰۰۳: ۲۹). اولین کمک علمی پانتام به بحث سرمایه اجتماعی به پایان مطالعه اش در ایتالیا بر می گردد، زمانی که در صدد برآمد تا براساس اطلاعات تجربی دو دهه، تفاوت های بین سیستم اجرایی منطقه ای جنوب و شمال ایتالیا را تبیین کند. وی در آغاز، یک رویکرد نهادی اتخاذ کرد که مبتنی بر عملکرد نسبی عوامل سیاست گذاری های عمومی دو منطقه شمال و جنوب بود. وی به این نتیجه رسید که عملکرد نهادی نسبتاً موفق مناطق شمالی به رابطه دو طرفه ای دولت و جامعه مدنی بر می گردد. او ریشه های این سنت مدنی سودمند را در فعالیت های اصناف اولیه قرون وسطایی در دولت - شهرهای خود مختار و مستقل شمالی می جست. وی معتقد بود که برعکس اوضاع منطقه شمالی، بن بست دولت و جامعه مدنی در جنوب، ریشه در دوره حکومت خودکامه نرمان ها^۲ داشت که فرهنگ تردید و تهدید دوطرفه را به وجود آورد و با اصلاح و بازسازی نهادین به طور مکرر، دوام یافت. پانتام از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده کرد تا این تفاوت مشارکت و فعالیت مدنی را آشکارتر سازد. وی این واژه را پس از بحث مفصل در مورد شواهد عملکرد نهادی وسطوح درگیری مدنی تعریف کرد (فیلد، ۲۰۰۳: ۳۱-۳۰).

پانتام، سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف می کند: «سرمایه اجتماعی به خصایص سازمان اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه هایی اطلاق می شود که با تسهیل کنش های هماهنگ می تواند کارایی جامعه را بهبود بخشد» (پانتام^۳ و دیگران، ۱۹۹۳: ۱۶۷). پانتام معتقد است منابع سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، هنجارها و شبکه ها معمولاً خود تقویت کننده و خود افزاینده اند و این فرایند منجر به تعادل اجتماعی می شود که با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی، همراه است، برعکس، نبودن این خصایص نیز خود تقویت کننده است. بی -

1- Bowling Alone

2- Norman

3- Putnam

اعتماد، فریب، بی نظمی و رکود، باعث تشدید و بازتولید یک دیگر می شود (پانتام ۱۳۸۰:۳۰۳). سرمایه اجتماعی از دیدگاه پانتام کالایی عمومی است که در مالکیت خصوصی هیچ یک از افراد ذینفع، قرار نمی گیرد (همان: ۲۹۰-۹۱).

پانتام به رابطه سرمایه اجتماعی با انحرافات نیز اشاره کرده است. وی با پشتوانه مطالعات زیاد در حوزه سرمایه اجتماعی به اهمیت پیوندهای اجتماعی در ارتباط با رفتارهایی از قبیل کشیدن سیگار و مصرف مشروبات الکلی اشاره می کند (فیلد، ۲۰۰۳: ۵۷). وی همچنین رابطه منفی قوی در سطح ایالتی بین نرخ جرایم خشن و شاخص های سرمایه اجتماعی پیدا کرد، با این ادعا که سطوح سرمایه اجتماعی در صورت برابری سایر متغیرها منجر به کاهش سطوح جرم می شود. رابطه بین شاخص های سرمایه اجتماعی و سطح سلامت و بهداشت نیز از جمله مواردی است که پانتام به آن می پردازد. وی چهار دلیل برای رابطه بین این دو متغیر ارائه می کند: ۱- شبکه های اجتماعی می توانند کمک های مادی مشخصی فراهم کنند که منجر به کاهش استرس می شود. ۲- این شبکه ها می توانند هنجارهای سالم و مفید را تقویت کنند. ۳- شبکه ها برای استفاده فرد از خدمات پزشکی به طور موثری می توانند کارها را پیش ببرند ۴- تعامل واقعا به تحریک سیستم ایمنی بدن کمک می کند (فیلد: ۲۰۰۳).

جمیز کلمن

کلمن (۲۰۰۰) به دو جریان فکری پیرامون توصیف و تبیین کنش اجتماعی، اشاره می کند. یک جریان، کار اغلب جامعه شناسانی است که کنشگر را اجتماعی شده و کنش را هدایت شده به وسیله هنجارهای اجتماعی، قواعد و وظایف می دانند. امتیازات اصلی این جریان به خاطر توانایی آن برای توصیف کنش در بستر اجتماعی و همچنین تبیین این امر است که کنش چگونه به وسیله بشر و محیط اجتماعی، شکل گرفته، تحت فشار قرار می گیرد و هدایت می شود. جریان دوم، ویژگی آثار اغلب اقتصاددانان است که کنشگر را دارای اهدافی می داند که به طور مستقل به آن می رسد در حالی که به طور مستقل عمل کرده و کاملا منفعت طلب است. امتیاز اصلی این دیدگاه، در این است که یکی از اصول اساسی کنش، داشتن حداکثر منفعت است. کلمن تلاش کرد تا در جهت گیری

تئوریک‌اش، عناصر هر دو جریان فکری را لحاظ کند. دیدگاه وی، اصل کنش عقلایی یا هدفمند را می‌پذیرد و تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه آن اصل، به همراه بستر اجتماعی خاص، نه تنها کنش‌های افراد در بستر خاص، بلکه گسترش سازمان اجتماعی را نیز توضیح دهد. وی سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزار مفهومی برای استفاده در این تلاش تئوریک معرفی می‌کند (کلمن، ۲۰۰۰).

از دیدگاه کلمن «سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش معین افراد را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است و دست یابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست» (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۲۶).

کلمن معتقد است سرمایه اجتماعی همچون یک منبع عمل می‌کند، چون که با انتظار تبادل همراه است و از سطح فرد، فراتر می‌رود تا با شبکه‌های گسترده‌تری درگیر شود که روابطش با درجه بالایی از اعتماد و ارزش‌های مشترک مدیریت و هدایت می‌شود (فیلد، ۲۰۰۳: ۲۰). کلمن به انواع روابط اجتماعی اشاره می‌کند که منابع مفید سرمایه را خلق می‌کند. این‌ها عبارتند از: تعهدات^۱، انتظارات^۲، اعتماد پذیری ساختارها^۳، کانال‌های اطلاعاتی، هنجارها و مصوبات بانفوذ. وی علاوه بر روابط اجتماعی به ساختارها هم اشاره می‌کند که اشکالی از سرمایه اجتماعی را تسهیل می‌کند. این ساختارها عبارتند از: شبکه‌های اجتماعی فروبسته^۴ و سازمان اجتماعی متناسب^۵ (کلمن، ۲۰۰۰: ۲۶-۲۰).

کلمن معتقد است سرمایه اجتماعی نیز مانند سرمایه انسانی و فیزیکی است که در صورت عدم تجدید، مستهلک می‌شود. روابط اجتماعی در صورتی که حفظ نشود ناپدید می‌شود. انتظارات و تعهدات با گذشت زمان از بین می‌روند و ماندگاری هنجارها نیز به ارتباط منظم بستگی دارد

-
- 1- Coleman
 - 2 - obligations
 - 3 - expectations
 - 4 - Trustworthiness of Structures
 - 5 - Closure of Social Networks
 - 6 - Appropriate Social Organizations

(کلمن، ۱۳۷۷: ۴۹۱). پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی یکی از عمده ترین پیوندهایی است که کلمن آن را عمده ترین زمینه خلق سرمایه اجتماعی می داند. وی استدلال می کرد که منشا موثرترین شکل سرمایه اجتماعی در روابط ناشی از زایمان است و در همین رابطه، سرمایه اجتماعی به واسطه فرایندی که روابط خویشاوندی را تخریب می کند (از قبیل طلاق، جدایی و یا مهاجرت) تضعیف می شود. هنگامی که خانواده ها، شبکه های اقوام و دوستانشان را ترک می کنند ارزش سرمایه اجتماعی آن ها سقوط می کند (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۰۹).

کلمن بخش عمده ای از پژوهش های خود را حوزه آموزش، انجام داد و کمک های علمی قابل ملاحظه ای به این حوزه نمود. وی معتقد است در بررسی موفقیت عملکرد تحصیلی دانش آموزان، زمینه ی خانوادگی، تنها یک هستی واحد نیست بلکه حداقل به سه بخش تقسیم می شود: سرمایه انسانی، زمینه خانوادگی، و سرمایه اجتماعی (کلمن: ۲۰۰۰) سرمایه مالی با درآمد یا ثروت خانواده اندازه گیری می شود. این نوع از سرمایه، منابع فیزیکی را ارایه می کند که می تواند به موفقیت کمک کند و شامل مواردی است از قبیل محل مطالعه در خانه، مواد کمک آموزشی برای یادگیری و منابع مالی که به حل مشکلات خانواده کمک می کند. سرمایه انسانی با تحصیلات والدین سنجیده می شود و پتانسیلی برای فضای شناختی فرزندان است که به یادگیری کمک می کند. اما سرمایه اجتماعی از هریک از این دو نوع سرمایه، یعنی مالی و انسانی، متفاوت است. کلمن برای تشریح سرمایه اجتماعی در خانواده، دو مثال ارایه می کند، یکی در مورد سرگذشت جان استوارت میل^۱ و دیگری کودکان خانواده های مهاجر آسیایی تبار در آمریکا. کلمن در مورد جان استوارت میل به این نکته اشاره می کند که پدر وی قبل از سن مدرسه به او زبان لاتین و یونانی را آموزش داده و میل، بعدها در دوران نوجوانی با پدرش و جرمی بنتام^۲ به طور نقادانه بحث می کرد. کلمن به این نکته اشاره می کند که میل، استعداد ژنتیکی فوق العاده نداشت و آموخته های پدرش نیز فراتر از مردان دوران او نبود. تفاوت اصلی در وقت و تلاش های او بود که پدرش پیرامون موضوعات فکری برای وی صرف می کرد. (همان)

1- John Stuart Mill
2- Jeremy Bentham

مثال دیگری که کلمن برای تفهیم سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند پیرامون یکی از مدارس ایالات متحده است. مسئولان این مدرسه متوجه شدند که برخی از خانواده‌های مهاجر آسیایی تبار برای فرزندان خود دو دست کتاب می‌خرند. پس از تفحص پیرامون این موضوع مشخص شد که سری دوم کتاب‌ها برای مادران خریداری می‌شود تا با مطالعه آن، به فرزندان خود در آموزش کمک کنند. کلمن معتقد است در اینجا، سرمایه انسانی که با تحصیلات والدین اندازه‌گیری می‌شود پایین است اما سرمایه اجتماعی بالاست. کلمن با ارائه این دو مثال، اهمیت سرمایه اجتماعی در خانواده اشاره می‌کند. از نظر وی اگرچه سرمایه انسانی می‌تواند نقش موثری داشته باشد اما اگر والدین نقش مهمی در زندگی فرزندان نداشته باشند و سرمایه انسانی آن‌ها منحصر صرفاً کار و فعالیت‌های خارج از منزل شود برای فرزندان ماحصلی در بر نخواهد داشت. کلمن در ارتباط با پیش رفت آموزشی فرزندان بر این نکته تأکید می‌کند که اگر سرمایه انسانی والدین با سرمایه اجتماعی در روابط خانوادگی تکمیل نشود دیگر فرقی نمی‌کند که والدین سرمایه انسانی کم یا زیاد داشته باشند. کلمن در همین رابطه به متغیرهایی چون میزان حضور والدین در خانه و توجه به فرزندان اشاره می‌کند. البته این حضور اگر فیزیکی باشد و رابطه قوی و مستحکمی بین والدین و فرزندان نباشد باز هم از سرمایه اجتماعی خبری نیست (کلمن: ۲۰۰۰: ۲۸-۲۷).

چارچوب نظری

به طور کلی با توجه به دیدگاه‌های پاتنام و کلمن این گونه استنباط می‌شود که شاخص‌های سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مثبت، منجر به کارکرد بهتر نهادها و بهبود روند امور و عملکرد آموزشی بهتر دانش‌آموزان در سطح مدارس می‌شوند و برعکس، فقدان این ویژگی‌ها پیامدهای منفی دربردارد که یکی از آن می‌تواند کاهش سطح سلامت و بروز رفتارهای انحرافی یا به عبارتی پرخطر شود. رابطه سرمایه اجتماعی با انحرافات مورد توجه پاتنام بوده است. وی با پشتوانه مطالعات زیاد در حوزه سرمایه اجتماعی به اهمیت پیوندهای اجتماعی در ارتباط با رفتارهایی از قبیل کشیدن سیگار و مصرف مشروبات الکلی اشاره می‌کند. (فیلد، ۲۰۰۳: ۵۷)

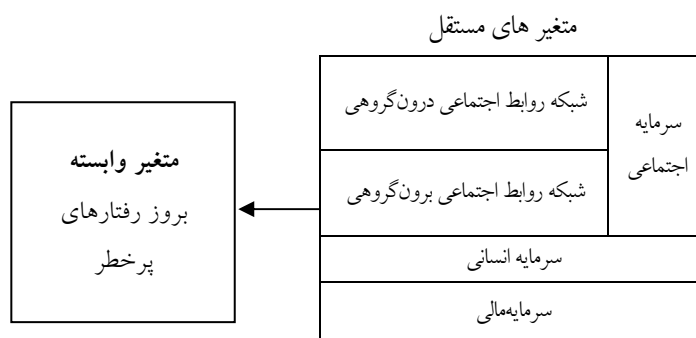
نکته دیگر اینکه براساس نظریه کلمن مولفه‌های سرمایه اجتماعی باید قوی‌تر از مولفه‌های سرمایه‌های انسانی و مالی عمل کند. کلمن همچنین بر این اعتقاد بود که سرمایه اجتماعی لازم برای رشد یک جوان، در یک اجتماع کارکردی، ساختار و روابط آن، همچنین ارتباط والدین با نهادهای اجتماعی وجود دارد. فقدان ارتباطات، عدم تبعیت از هنجارها و تقویت آن‌ها، فقدان کنترل خانوار، همگی احتمال تولید سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهند و فرصت‌های رفتار انحرافی را می‌افزاید. (مارشال، ۱۹۹۸: ۶۰۸)

براین اساس فرضیه کلی پژوهش از این قرار است که میزان سرمایه اجتماعی دانش آموزان با بروز رفتارهای پرخطر رابطه معناداری دارد. در کنار این فرضیه، رابطه سایر سرمایه‌ها (انسانی و مالی) با رفتارهای پرخطر نیز سنجیده می‌شود. در سنجش سرمایه اجتماعی اگرچه به اعتماد هم توجه شده اما بیشتر بر شبکه روابط اجتماعی تاکید شده که این شبکه‌ها با توجه به دیدگاه وولکاک و نارایان (به نقل از غفاری و انق: ۱۳۸۵) به چند دسته تقسیم می‌شوند: سرمایه اجتماعی محدود یا درون-گروهی، سرمایه اجتماعی اتصالی یا برون‌گروهی و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی. در اینجا بر دو نوع اول، تاکید می‌شود. شبکه روابط درون‌گروهی در خانواده و گروه دوستی مورد سنجش قرار می‌گیرد، شبکه روابط برون‌گروهی در مدرسه و همچنین بین مدرسه و خانواده مورد سنجش واقع می‌شود. جدول ۱ بیانگر این تقسیم‌بندی است.

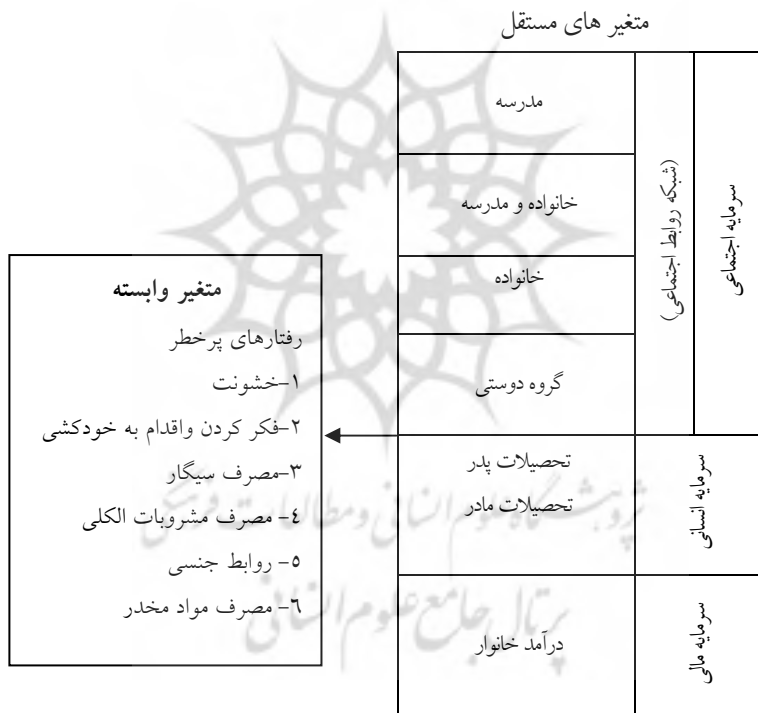
جدول ۱- مصادیق روابط درون‌گروهی و برون‌گروهی

شبکه روابط دانش آموز در مدرسه با معلمان و مسئولان	روابط برون‌گروهی
شبکه روابط خانواده با معلمان و مسئولان	
شبکه روابط دانش آموز با والدین در خانواده	روابط درون‌گروهی
شبکه روابط دانش آموز با گروه دوستی	

مدل نظری پژوهش نیز با توجه به بحث‌های نظری به شکل ۱ ارایه می‌شود.



شکل ۱- مدل نظری پژوهش



شکل ۲- مدل تجربی پژوهش

فرضیات پژوهش

با توجه به مدل نظری و تجربی پژوهش، فرضیات زیر استخراج می گردد:

- ۱- بین شبکه روابط اجتماعی پاسخگویان در مدرسه و بروز رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین شبکه روابط اجتماعی پاسخگویان در بین خانواده و مدرسه و بروز رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین شبکه روابط اجتماعی پاسخگویان در خانواده و بروز رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین شبکه روابط اجتماعی پاسخگویان در گروه دوستی و بروز رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین تحصیلات پدر و بروز رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین تحصیلات مادر و بروز رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد.
- ۷- بین درآمد خانواده و بروز رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق بر روش شناسی کمی و تکنیک پیمایش، استوار است. داده ها به طور مقطعی گردآوری شده و ابزار جمع آوری دادها نیز پرسش نامه است که حاوی سوالات نیمه باز و به طور عمده بسته می باشد. مقیاس عمده مورد استفاده نیز طیف لیکرت است که مولفه های سرمایه اجتماعی به کمک آن سنجیده شده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر است که در سال ۸۸-۸۷ در شهر کرمان و در مقطع متوسطه مشغول به تحصیل بوده اند. تعداد این دانش آموزان در آموزش و پرورش ناحیه دو ۱۵۴۷۳ هزار نفر است و در ناحیه یک به علت عدم همکاری آن ناحیه، به کمک کارشناسان، حجمی معادل ناحیه دو، تخمین زده شد. بر این اساس حجم جامعه آماری تقریباً ۳۱۰۰۰ نفر برآورد گردید. حجم نمونه براساس جدول لین (۱۹۷۶) با لحاظ پارامتر ۵۰٪، سطح اطمینان ۹۵٪ و پذیرش خطای ۴٪، برابر ۵۸۳ نفر برآورد گردید. پس از تکمیل پرسش نامه ها چند مورد به علت نقص جدی و عدم اعتبار از رده خارج شد و تعداد پرسش نامه نهایی به ۵۶۸ مورد رسید. برای دست رسی به نمونه ها از شیوه های نمونه-خارج شد و تعداد پرسش نامه نهایی به ۵۶۸ مورد رسید.

گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. ابتدا ناحیه آموزش و پرورش و سپس مدارس و نهایتاً دانش آموزان با توجه به نسبت جنسی، رشته، پایه تحصیلی و نوع مدرسه انتخاب شدند.

اعتبار و روایی

برای حصول اعتبار صوری، پرسش نامه در اختیار متخصصین حوزه‌های مربوطه قرار گرفت و نظرات آن‌ها لحاظ گردید. برای اطمینان از روایی ابزار سنجش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای به دست آمده برای چهار طیف سرمایه اجتماعی (شبکه روابط اجتماعی) از این قرار است: برای طیف سرمایه اجتماعی در مدرسه ۰/۷۴، سرمایه اجتماعی در بین خانواده و مدرسه ۰/۶۲، سرمایه اجتماعی در خانواده ۰/۷۷، سرمایه اجتماعی در گروه دوستی ۰/۸۱.

تعاریف متغیرها

رفتار پرخطر - رفتارهای پرخطر، رفتارهای بالقوه مخربی هستند که افراد به طور ارادی، با یا بدون اطلاع از پیامدهای نامطلوب احتمالی آن، مرتکب می‌شوند. (کرت و سامرس^۱، ۲۰۰۵: ۳۳۰)

تعریف عملیاتی رفتار پرخطر - در این تحقیق، شش بُعد از رفتار پرخطر مد نظر است که عبارتند از خشونت (حمل اسلحه و میزان درگیری فیزیکی)، میزان فکر کردن به خودکشی و اقدام به آن، مصرف سیگار و مصرف الکل، مصرف مواد مخدر و رابطه جنسی. فراوانی هریک از رفتارهای یاد شده طی یک سال گذشته اندازه‌گیری می‌شود. به عنوان مثال، در مورد مصرف سیگار از فرد پرسید می‌شود که طی یک سال گذشته چندبار اقدام به کشیدن سیگار کرده است.

سرمایه اجتماعی - پاتنام سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: "سرمایه اجتماعی به خصایص سازمان اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی اطلاق می‌شود که با تسهیل کنش‌های هماهنگ می‌توانند کارایی جامعه را بهبود بخشد (فیلد، ۲۰۰۰: ۳۱). از دیدگاه کلمن نیز "سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگون است که دو ویژگی مشترک دارند همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). در عملیاتی کردن مفهوم سرمایه اجتماعی، بیشتر، روی شبکه‌های روابط تاکید شده و با

1- Corte & Sommers

توجه به تقسیم بندی وولکاک و نارایان، این بخش از سرمایه اجتماعی در حوزه روابط درون گروهی یعنی خانواده و گروه دوستی، و روابط برون گروهی یعنی مدرسه و ارتباط خانواده و مدرسه مورد سنجش واقع شد. برای مثال در شبکه روابط دانش آموز در مدرسه میزان تمایل و احترام کمک متقابل به صمیمیت و اعتماد متقابل بین دانش آموز و معلمان مورد سنجش واقع شد.

سرمایه مالی - براساس نظریه کلمن سرمایه مالی با درآمد یا ثروت خانواده، اندازه گیری می شود. این نوع از سرمایه، منابع فیزیکی را ارایه می کند که می تواند به موفقیت کمک کند و شامل مواردی است از قبیل محل مطالعه در خانه، مواد کمک آموزشی برای یادگیری و منابع مالی که به حل مشکلات خانواده کمک می کند. (کلمن: ۲۰۰۰) در اینجا از متغیر درآمد خانواده برای سنجش سرمایه انسانی استفاده شده است.

سرمایه انسانی - از دیدگاه کلمن سرمایه انسانی دانش آموزان تحصیلات والدین آنهاست که پتانسیلی برای فضای شناختی فرزندان است و به یادگیری کمک می کند. (کلمن: ۲۰۰۰) در این پژوهش نیز تحصیلات والدین معیار سنجش سرمایه انسانی است.

یافته ها

به طور کلی، ۴۹/۳٪ (۲۸۰ نفر) از پاسخگویان را دانش آموزان دختر و ۵۰/۲٪ (۲۸۵ نفر) را نیز پاسخگویان پسر تشکیل می دهد. همچنین توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ناحیه آموزش و پرورش نشان می دهد که ۴۹/۵٪ (۲۸۱ نفر) از دانش آموزان از ناحیه یک و ۵۰/۵٪ (۲۸۷ نفر) نیز از ناحیه دو به عنوان پاسخگو مورد مصاحبه قرار گرفتند.

بر اساس یافته های توصیفی، میزان سرمایه اجتماعی (شبکه روابط و اعتماد) پاسخگویان در مدرسه از این قرار است: ۵/۳٪ از سرمایه اجتماعی ضعیف، ۶۷/۳٪ از سرمایه اجتماعی در حد متوسط و ۴۸/۲٪ از سرمایه اجتماعی بالا برخوردارند. در حوزه خانواده نیز، ۴/۹٪ از سرمایه اجتماعی ضعیف، ۲۹/۶٪ از سرمایه اجتماعی در حد متوسط و ۶۵/۵٪ نیز از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند. وضعیت سرمایه اجتماعی در بین خانواده پاسخگویان و مدرسه نیز از این قرار است: ۱۸/۷٪ در حد ضعیف، ۶۷/۷٪ در حد متوسط و ۱۲/۷٪ در حد بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردارند. در حوزه گروه دوستی نیز ۷/۴٪ از

سرمایه اجتماعی ضعیف، ۵۲/۱٪ از سرمایه اجتماعی متوسط و ۴۰/۵٪ نیز از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند. مقایسه گروه های فوق از لحاظ میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی چند نکته را خاطر نشان می کند. یکی اینکه خانواده کماکان در حوزه سرمایه اجتماعی پیشتاز است به نحوی که ۶۵/۵٪ از پاسخگویان در حد بالایی از برخورداری از این نوع سرمایه قرار دارند. نکته دوم اینکه میزان سرمایه اجتماعی (شبکه روابط اجتماعی) در بین دو گروه خانواده و مدرسه در مقایسه با سه گروه دیگر یعنی خانواده، مدرسه و گروه دوستی در ضعیف ترین حد قرار دارد به نحوی که تقریباً یک پنجم پاسخگویان در این حوزه، از سرمایه اجتماعی پایینی برخوردار بودند و تنها ۱۲/۷٪ آن ها سرمایه اجتماعی بالایی داشتند. با توجه به اینکه این نوع سرمایه اجتماعی از دیدگاه ولکاک و نارایان از نوع بین گروهی یا پل-زنده^۱ محسوب شده و نقش قابل ملاحظه ای در زمینه سازی توسعه دارد اهتمام بیشتری را می طلبد.

بخش دیگری از یافته های توصیفی مربوط به توزیع فراوانی رفتارهای پرخطر است. یافته های توصیفی پیرامون اولین شاخص رفتار پرخطر، یعنی خشونت (درگیری فیزیکی و حمل اسلحه سرد)، نشان می دهد که ۳۷/۷٪ از پاسخگویان طی سال گذشته درگیری فیزیکی داشته اند و ۱۱/۳٪ آن ها نیز با خود، اسلحه سرد از قبیل چاقو، پنجه بوکس و غیره به مدرسه می آوردند. ۱۸/۸٪ پاسخگویان همچنین گزارش داده اند که طی سال گذشته به خودکشی فکر کرده اند که از این میزان، ۱۲/۵٪ تا ۳ بار و بقیه بیش از سه بار به فکر خودکشی افتاده اند. در ارتباط با اقدام به خودکشی نیز ۶/۲٪ پاسخگویان گزارش داده اند که اقدام به خودکشی کرده اند. سایر پژوهش ها نیز نرخ مشابه و گاه بیشتر اقدام به خودکشی را گزارش داده اند. سلیمانی نیا (۱۳۸۶) ۶/۲٪، بخشانی و دیگران (۱۳۸۶) گزارش داده اند که ۱۹/۶٪ از دانش آموزان سعی کرده بودند به نوعی خود را از بین ببرند. گزارش نظام جامع رفتارهای پرخطر جوانان در ایالات متحده (ایتن^۲ و دیگران: ۲۰۰۶) ۸/۴٪ اقدام به خودکشی را طی یک ماه قبل از پژوهش گزارش نموده است. در مورد سیگار کشیدن نیز ۸/۵٪ پاسخگویان انجام این رفتار را طی یک سال قبل، گزارش داده اند. از طرف دیگر مشروبات الکلی، طی سال گذشته توسط ۱۴/۴٪ از پاسخگویان مصرف شده است. از این میزان ۶/۷٪، یعنی نیمی از آن ها بیش از ۱۰ بار اقدام به این کار کرده اند که این امر نشان

1- Bridging Social Capital

2- Eaton

دهنده روند عادی شدن این نوع مصرف برای آن هاست. از کل پاسخگویان، ۶۲٪ طی یک سال گذشته تریاک مصرف کرده اند، همچنین در مورد رفتار پرخطر رابطه جنسی نیز، ۷۱٪ از پاسخگویان چنین رفتاری را گزارش کرده اند.

رفتارهای پرخطر به ترتیب میزان شیوع عبارتند از: درگیری فیزیکی (۳۷/۷٪)، فکر کردن به خودکشی (۱۸/۸٪)، مصرف مشروبات الکلی (۱۴/۴٪)، حمل اسلحه سرد (۱۱/۳٪)، مصرف سیگار (۸/۵٪)، رابطه جنسی (۷/۱٪)، اقدام به خودکشی (۶/۳٪)، مصرف تریاک (۶/۲٪).

جدول ۲- نتایج آزمون رابطه عناصر سرمایه اجتماعی و رفتارهای پرخطر

گروه دوستان	خانواده	خانواده و مدرسه	معلمان و مسئولان مدرسه	شبهه اجتماعی و روابط دانش آموز با
				رفتارهای پرخطر
۰/۰۲	۰/۱۱**	۰/۰۸*	۰/۰۹*	درگیری فیزیکی
۰/۰۰۲	۰/۱۳**	۰/۰۹*	۰/۰۶	حمل اسلحه سرد
۰/۰۰۵	۰/۳۶**	۰/۱۴**	۰/۲۰*	فکر کردن به خودکشی
۰/۰۰۴	۰/۱۶**	۰/۰۲۲	۰/۱۳**	اقدام به خودکشی
۰/۰۰۲	۰/۰۹۳*	۰/۰۶	۰/۰۸*	کشیدن سیگار
۰/۰۰۸	۰/۰۸*	۰/۰۹۳*	۰/۱۰**	مشروبات الکلی
۰/۰۰۳	۰/۱۵**	۰/۱۲**	۰/۰۹*	رابطه جنسی
۰/۰۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۱۰*	مصرف تریاک

**p < .01 *p < .05

جدول ۲، نشان دهنده نتایج آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتارهای پرخطر است. شبکه های اجتماعی و روابط که یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی محسوب می شود در چهار حوزه، یعنی رابطه با معلمان و مسئولان مدرسه، رابطه خانوادگی دانش آموزان با مدرسه، روابط دانش آموزان با اعضای خانواده و همچنین شبکه روابط دوستی سنجیده شد.

همان گونه که داده های جدول ۲ نشان می دهد در بُعد اول، شبکه روابط با معلمان و مسئولان مدرسه، با هفت رفتار خطر ساز یعنی درگیری فیزیکی، فکر کردن به خودکشی، اقدام به خودکشی، مشروبات الکلی، کشیدن سیگار، رابطه جنسی و مصرف تریاک رابطه منفی معنی داری نشان دادند که خود نشانگر

اهمیت این بعد از سرمایه اجتماعی برای دانش آموزان است. به طور کلی، با توجه به شاخص های سرمایه- اجتماعی که در این بعد مورد سنجش واقع شد، از تایید رابطه فوق، این گونه استنباط می شود که دانش آموزانی که رابطه خوب و صمیمی با معلمان دارند؛ احترام متقابل بین آن ها برقرار است؛ فرصت اظهار نظر و مشارکت بیشتری دارند؛ رابطه آن ها با معلمان شان مبتنی بر اعتماد، همکاری و کمک متقابل است و در فضای مدرسه احساس خوشحالی بیشتری دارند، کمتر درگیری فیزیکی دارند، به خودکشی کمتر فکر کرده و اقدام به خودکشی در بین آن ها پایین تر است، کمتر به سیگار کشیدن اقدام می کنند، مصرف مشروبات الکلی و تریاک نیز در بین آن ها پایین تر است و رابطه جنسی نیز در بین آن ها کاهش می یابد.

در بعد دوم یعنی شبکه روابط خانواده و مدرسه نیز پنج رفتار پرخطر، یعنی درگیری فیزیکی، حمل اسلحه سرد، فکر کردن به خودکشی، مصرف مشروبات الکلی و رابطه جنسی رابطه منفی معنی داری نشان دادند. تایید رابطه این بخش از سرمایه اجتماعی با بروز رفتارهای پرخطر نشان می دهد که هرچه خانواده دانش آموزان تماس بیشتر و روابط صمیمانه تری با معلمان فرزندانشان داشته باشند؛ شناخت متقابلی از یک دیگر داشته باشند؛ در جلسات انجمن اولیا و سایر جلسات شرکت کنند و اعتماد متقابل بین آن ها برقرار باشد، آن ها درگیری فیزیکی کمتری دارند، کمتر به خودکشی فکر می کنند، مصرف مشروبات الکلی و سیگار در بین آن ها کمتر شده و روابط جنسی نیز کاهش می یابد.

بر اساس جدول ۲، یافته ها همچنین نشان دادند شبکه روابط پاسخگویان با اعضای خانواده با هشت رفتار پرخطر یعنی درگیری فیزیکی، حمل اسلحه سرد، فکر کردن به خودکشی، اقدام به خودکشی، کشیدن سیگار، مصرف مشروبات الکلی و روابط جنسی رابطه منفی معناداری دارد. بدین معنی که هرچه مشارکت دانش آموزان در تصمیم گیری های خانوادگی افزایش یابد؛ درک متقابل والدین و فرزندان بیشتر شود؛ از کمک و همکاری متقابل اطمینان بیشتری وجود داشته باشد و روابط مبتنی بر اعتماد باشد، رفتارهای پرخطر دانش آموزان در همه موارد، به استثنای مصرف تریاک، رو به کاهش می گذارد. همان گونه که داده های جدول نشان می دهد شدت روابط و سطوح معناداری مرتبط با این بعد از سرمایه اجتماعی، حکایت از اهمیت نسبی این بعد در مقایسه با سایر ابعاد سرمایه اجتماعی دارد. با توجه به اینکه نهاد خانواده در ایران، علی رغم گسترش نوسازی هنوز یکی از نهادهای محوری جهت دهنده محسوب می شود این یافته دور از انتظار نیست.

اما آنچه متفاوت از نتیجه سایر ابعاد سرمایه است، در حوزه شبکه روابط با گروه دوستی اتفاق می افتد. یافته ها هیچ نوع رابطه معناداری بین این متغیر با رفتارهای پرخطر نشان نداد. با توجه به اینکه افراد معمولاً در انتخاب اعضای گروه دوستی خود آزادی دارند و این انتخاب بر مبنای اهداف، علائق و ذائقه های مشترک صورت می گیرد می توان پیش بینی کرد که فعالیت های گروه دوستی می تواند با الگوهای بهنجار جامعه، همخوانی یا ناهمخوانی باشد و در مورد پاسخگویان این پژوهش نیز چنین شرایطی مطابقت دارد، بدین معنی که تجمع سرمایه اجتماعی در میان گروه دوستی لزوماً به موازات سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه عمل نمی کند. در میان نظریه پردازان، این بُعد از سرمایه اجتماعی را بُعد منفی یا تاریک سرمایه اجتماعی^۱ می نامند که به عنوان نقدی بر دیدگاه خوش بین ها در این حوزه مطرح می شود. (فیلد: ۲۰۰۰)

جدول ۳ - نتایج آزمون رابطه بین سرمایه انسانی و مالی و رفتارهای پرخطر

رفتارهای پرخطر	سرمایه انسانی و مالی	
	تحصیلات پدر	تحصیلات مادر
درگیری فیزیکی	۰/۰۷*	۰/۰۸**
حمل اسلحه سرد	۰/۰۴	۰/۰۶
فکر کردن به خودکشی	-۰/۰۸**	-۰/۰۱
اقدام به خودکشی	-۰/۰۰۹	-۰/۰۶
کشیدن سیگار	۰/۰۲۳	۰/۰۱۸
مشروبات الکلی	۰/۰۳۵	۰/۰۹*
رابطه جنسی	-۰/۰۰۶	۰/۰۳۴
مصرف تریاک	-۰/۰۲۳	-۰/۰۱۲

* $p < .05$ ** $p < .01$

جدول ۳، نتایج آزمون رابطه بین سرمایه انسانی و مالی (تحصیلات پدر و مادر و درآمد خانواده) و رفتارهای پرخطر را نشان می دهد. آماره مورد استفاده نیز کندال بوده است که خاص متغیرهای ترتیبی است. تحصیلات پدر در دو مورد یعنی درگیری فیزیکی و فکر کردن به خودکشی همبستگی معناداری نشان می دهد. جهت رابطه ضریب کندال در مورد اول، یعنی درگیری فیزیکی، مثبت و در مورد دوم یعنی

فکر کردن به خود کشی منفی است. تحصیلات مادر نیز در دو مورد همبستگی مثبت معنادار نشان داد که عبارتند از درگیری فیزیکی و مصرف مشروبات الکلی. اما در این میان، درآمد خانواده با تعداد بیشتری از رفتارهای پرخطر رابطه معناداری داشت. این رفتارها عبارتند از درگیری فیزیکی، مصرف مشروبات الکلی، سیگار، رابطه جنسی و مصرف تریاک. جهت رابطه این متغیرها با درآمد مثبت و به طور عمده سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ داشتند. این یافته می تواند زنگ خطر برای خانواده هایی باشد از سطح درآمدی بالایی برخوردارند. یافته های یک پژوهش کیفی در شهر کرمان (شمس میمندی و دیگران، ۱۳۸۴) نیز تایید می کند که مستمري بالای جوانان ثروتمند، یکی از عوامل گرایش به مواد مخدر است.

نتیجه گیری و بحث

به طور کلی یافته های توصیفی نشان داد که، رفتارهای پرخطر به ترتیب میزان شیوع در میان دانش - آموزان عبارتند از: درگیری فیزیکی (۳۷/۷٪)، فکر کردن به خودکشی (۱۸/۸٪)، مصرف مشروبات الکلی (۱۴/۴٪)، حمل اسلحه سرد (۱۱/۳٪)، مصرف سیگار (۸/۵٪)، رابطه جنسی (۷/۱٪)، اقدام به خودکشی (۶۳٪)، مصرف تریاک (۶۲٪). نتایج آزمون فرضیات نشان داد که در بُعد اول، سرمایه اجتماعی یعنی شبکه روابط پاسخگویان با معلمان و مسئولان مدرسه، با هفت رفتار خطرناک یعنی درگیری فیزیکی، فکر کردن به خود کشی، اقدام به خودکشی، مصرف مشروبات الکلی، کشیدن سیگار، رابطه جنسی و مصرف تریاک رابطه معنی داری نشان دادند و جهت منفی رابطه نیز نشانگر اهمیت این بعد از سرمایه اجتماعی برای دانش آموزان است.

در بعد دوم، سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه روابط بین خانواده و مدرسه نیز با پنج رفتار پرخطر، یعنی درگیری فیزیکی، حمل اسلحه سرد، فکر کردن به خودکشی، مصرف مشروبات الکلی و رابطه جنسی رابطه معنی داری نشان دادند. در تمامی موارد نیز جهت رابطه منفی بود. یافته ها همچنین نشان دادند شبکه روابط پاسخگویان با اعضای خانواده با هشت رفتار پرخطر یعنی درگیری فیزیکی، حمل اسلحه سرد، فکر کردن به خودکشی، اقدام به خودکشی، کشیدن سیگار، مصرف مشروبات الکلی و روابط جنسی رابطه منفی معناداری دارد. اما آنچه متفاوت از نتیجه سایر ابعاد سرمایه است، در حوزه شبکه روابط با گروه

دوستی اتفاق می افتد. یافته ها هیچ نوع رابطه معناداری بین این متغیر با رفتارهای پرخطر نشان نداد. در اینجا وجه تاریک سرمایه اجتماعی غلبه می یابد.

بخش دیگری از نتایج آماری مرتبط با سرمایه های انسانی و مالی (تحصیلات والدین و درآمد خانواده) و رفتارهای پرخطر، نشان داد که این متغیرها روابط بسیار ضعیف و غالباً غیرمعنادار با رفتارهای پرخطر دارند و در اغلب موارد که رابطه معنادار مشاهده شد (برای مثال، درآمد با رفتارهای پرخطر) جهت رابطه مثبت بود. این بخش از یافته ها با یافته های برخی از پژوهش های داخلی (باریکانی، ۱۳۸۷، زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷) و خارجی (ریشتر و دیگران ۲۰۰۶) هم خوانی دارد.

به طور کلی آنچه از این یافته ها استنباط می شود این است که تحصیلات و درآمد بیشتر، لزوماً منجر به پرورش فرزندان سر به راه و بهنجار نمی شود. توسعه روزافزون دانشگاه ها و روند صعودی فارغ التحصیلان باعث افزایش توانمندی مدیریتی افراد نمی گردد. در اینجا، اهمیت مؤلفه های سرمایه اجتماعی در رفتارهای پرخطر تایید شد، به نحوی که هر چه شبکه روابط فرد در مدرسه با معلمان و مسئولان، در خانواده با اعضای خانواده، و همچنین در میان خانواده و مدرسه بیشتر می شد سیر رفتارهای پرخطر، شکل نزولی به خود می گرفت. همه این یافته ها تأیید می کنند که تحصیلات به تنهایی تعیین کننده نیست بلکه این خصیصه ها، به واسطه سایر متغیرها می توانند کارکرد مثبت در رابطه با رفتارهای پرخطر داشته باشد. در این مورد کلمن (۲۰۰۰) استدلال می کند که اگر سرمایه انسانی و مالی در خانواده، شامل تحصیلات والدین، با سرمایه اجتماعی همراه نباشد سرمایه انسانی تأثیر چندانی نخواهد داشت.

به طور کلی، یافته های این پژوهش، با آشکارسازی نقش محوری مولفه های سرمایه اجتماعی در کاهش بروز رفتارهای پرخطر، چارچوب نظری پژوهش را تأیید می کند. آنجا که نقش سرمایه انسانی و مالی خانواده (تحصیلات والدین و درآمد خانواده) در بروز رفتارهای پرخطر کم رنگ شده و گاه به آن دامن می زند، مولفه های سرمایه اجتماعی قوی تر ظاهر شده و نقش بازدارنده ایفا می کند تماماً تأیید کننده دیدگاه کلمن و پاتنام است.

پیشنهادهای

با توجه به یافته های تحقیق، مبنی بر نقش موثر مولفه های سرمایه اجتماعی، موارد زیر پیشنهاد می گردد.

تقویت روابط خانواده های دانش آموزان با معلمان و اولیاء مدرسه که نوعی سرمایه اجتماعی محسوب می شود، باعث کاهش قابل ملاحظه در بروز رفتارهای پرخطر شده و تأثیر مثبتی بر رفتارهای دانش آموزان دارد. تقویت شبکه روابط دانش آموزان با معلمان و مسئولان مدارس نیز تأثیر به سزایی در کاهش رفتارهای پرخطر دارد. این امر مستلزم تلاش هر دو طرف یعنی دانش آموز و معلم یا مسئولان مدرسه است. تقویت روابط دانش آموزان با اعضای خانواده نیز به کاهش رفتارهای خطر ساز کمک می کند. همبستگی فرد با اعضای خانواده، همچون شبکه ای اجتماعی عمل می کند که فرد را در برابر خطرها محافظت می کند.

نکته آخر اینکه، به والدین و به طور خاص، والدینی که تحصیلات عالی دارند هشدار داده می شود اگر چه تحصیلات به عنوان یک سرمایه انسانی ارزشمند تلقی می شود ولی در صورتی که با سرمایه اجتماعی در خانواده همراه نگردد به تنهایی چاره ساز نخواهد بود و حتی در پاره ای موارد منجر به بروز برخی رفتارهای خطر ساز نیز می شود.

منابع

- باریکانی، آمنه (۱۳۸۷): «رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستان های شهر تهران»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. سال چهاردهم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۹۲-۱۹۸.
- بخشانی، نورمحمد، لشکری پور، کبری، بخشانی، سمیه و حسین بر، سمیه (۱۳۸۶): «شیوع رفتارهای پرخطر مرتبط با آسیب های عمدی و غیر عمدی در دانش آموزان دبیرستانی سیستان و بلوچستان»، طیب شرق، دوره ۹، شماره ۳، پاییز، صص ۱۹۹-۲۰۸.
- بورديو، پیر (۱۳۸۰): اشکال سرمایه، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تالیف کیان تاجبخش، تهران، شیرازه.
- جزایری، علیرضا، رفیعی، حسین و نظری، محمدعلی (۱۳۸۲): «نگرش دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران درباره اعتیاد». رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۷، صص ۲۱۷-۲۲۹.

- حیدرنیا، احمد و چرخیان، امیر (۱۳۸۵): «کیفیت رابطه ولی - فرزندی نوجوانان دچار اعتیاد و نوجوانان عادی»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۳۹-۵۷.
- زاده محمدی، علی و احمدآبادی، زهره (۱۳۸۷): «هم وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان های شهر تهران»، *فصل نامه خانواده پژوهی*، سال چهارم، شماره ۱۲، بهار، صص ۸۷-۱۰۰.
- سلیمانی نیا، لیلا (۱۳۸۶): «تفاوت جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر»، *فصل نامه مطالعات جوانان*، بهار و تابستان، شماره ۸ و ۹، صص ۷۳-۸۶.
- شمسی میمندی، منظومه، ضیاء الدینی، حسن و شریفی یزدی، علیرضا (۱۳۸۷): «عوامل مؤثر در گرایش به مواد مخدر از دیدگاه دانش آموزان دبیرستانی کرمان ۱۳۸۴»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، سال دوازدهم، شماره ۴، صص ۸۰-۸۸.
- ضیاء الدینی، حسن، زارع زاده، علیرضا و حشمتی، فرزاد (۱۳۸۵): «شیوع سوء مصرف و اعتیاد به مواد و برخی عوامل مرتبط در دانش آموزان سال آخر دبیرستان و پیش دانشگاهی شهر کرمان در سال ۸۰-۱۳۷۹»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان*، دوره سیزدهم، شماره ۲، صص ۸۴-۹۴.
- فروع الدین عدل، اکبر، صدرالسادات، سیدجلال، بیگلریان، اکبر و جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۲): «تأثیر هم نشینی و معاشرت با گروه هنجار شکن و گرایش جوانان به اعتیاد»، *رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۵، صص ۳۱۹-۳۳۲.
- ماهر، فرهاد (۱۳۸۳): «رفتارهای پرخطر در اوقات فراغت جوانان، روندها و الگوها»، *فصل نامه مطالعات جوانان*، شماره ۶، بهار، صص ۱۱۸-۱۴۴.
- محمدخانی، پروانه (۱۳۸۰): «همبودی نشانگان افسردگی و آشفتگی های روان شناختی با افکار خودکشی و اقدام به خودکشی در دختران مناطق پرخطر»، *رفاه اجتماعی*، سال سوم، شماره ۱۲، بهار، صص ۳۰۹-۳۲۴.
- موسوی، فریبا، سجادی، حمیرا، رفیعی، حسن و فیضی، آوات (۱۳۸۶): «برخی عوامل خانوادگی مرتبط با اقدام به خودکشی»، *رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۵۳-۷۲.
- میلر، دلبرت، سی. (۱۳۸۰): *زاهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نی.
- یاسمی، محمدتقی و صانعی نسرین (۱۳۷۲): «بررسی اپیدمیولوژیک موارد اقدام به خودکشی در شهرستان کرمان» خلاصه مقالات چهارمین کنگره پژوهش های روانپزشکی و روانشناسی در ایران، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

یاسمی، محمدتقی، صباحی، عبدالرضا، میرهاشمی، سیدمجتبی، سیفی، شراره، آذریوان، پرینوش، طاهری، محمدحسین (۱۳۸۱): «بررسی همه گیر شناسی خودکشی از طریق پزشکی قانونی در استان کرمان»، فصل نامه اندیشه و رفتار، سال هفتم، شماره ۴.

- Ando, M., Asakura, T., Ando, S., & Simons – Morton , B. G. (2007): "Psychological factors associated with smoking and drinking among Japanese early adolescent boys and girls: Cross-sectional study". *Biopsychosocial Medicine*. 1:13 (<http://www.bpsmedicine.com/content/1/1/13>)
- Bergman, M. M. & Scott. (2001): "Young adolescents' well-being and health-risk behaviors: Gender and socioeconomic differences." *Journal of Adolescents*. 24:183-197.
- Campo – Arias, A., Cogollo, Z, & Diaz, C .E. (2008): "Risk behavior for health in young students: Prevalence and associated factors.", *Salud Uninorte. Barranquilla*, 24(2) 226-234.
- CDC. (2001): "Temporal variation in school associated in student homicide and suicide events- United States, 1992-1999". *Morbidity and Mortality*. 50(31) 657-660.
- CDC. (2004): "Suicide attempts and physical fighting among high school students – United States," *Morbidity and Mortality*, 53(22) 474-476.
- Corte, C.M. & Sommers, M.S. (2005): "Alcohol and Risky Behaviors". *Annual Review of Nursing Research*. 23, pp: 327-360.
- Eaton , D.K. et al . (2006): "Youth risk behavior surveillance – United States ,2005" . *Morbidity and Mortality*, 55(5): 1-108
- Fine, B. (2010): *Theories of social capital*, London: Pluto Press.
- Fukuyama, F. (1999): *Social capital and civil society*, George Mason University, *IMF Conference on Second generation Reform*.
- Kristjansson , A.L., Sigfusdottir , I.D . Allegrante , J.P.& Helgason, A.R.(2008): "Social correlates of cigarette smoking among Icelandic ad descents: A population – based cross-sectional study". *MBC. Public Health*, 8:86 (<http://www.biome central.Com/1471 - 2458/8/86>)
- Lightfoot, C., (1997): *The culture of adolescent risk taking*, New York: The Guilford Press.
- Lin, N. (2001): *Social capital: A theory of social structure and action*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Longo, D.R. (2004): "Youth smoking: Toward a better understanding and realistic solutions", *Tobacco Induced Diseases*, 2(3):117-118.

- Putnam, R. Leonardi, R., & Nanetti, R. (1993): *Making democracy work, civic traditions in modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
- Richter, M., Leppin, A. & Gabhainn, S. N. (2006): "The relationship between parental socio-economic status and episodes of drunkenness among adolescents: finding form a cross national survey". *BMC Public Health*, 6:289 (<http://www.biomedcentral.com/1471-2458/6/289>).
- Rudatsikira, E, Muula, A. S. & Siziya, S. (2008): "Variable associated with physical fighting among US high school students". *Clinical Practice and Epidemiology in Mental Health*, 4:16 (<http://creativecommons.org/licenses/by/2.0>).
- Sigfusdottir, I.D., Kristjansson, A. L., Thorlindsson, T., & Allegrante J.P. (2008): "Trends in prevalence of substance use among Icelandic adolescents". 1995 -2006". *Substance Abuse Treatment, Prevention and Policy*. 3:12 (<http://www.Substanceabusepolicy.com./content/3/1/12>)
- Siziya, S., Muula, A.S. & Rudatsikira, E. (2007): "Correlates of current cigarette smoking among school-going adolescents in Punjab, India: Results from the Global Youth tobacco survey 2003". *BMC International Health and Human Rights*, 8:1 (<http://www.biomedcentral.com/1472-698x-8-1>)
- Springer, A. E., Selwyn, B. J., & Helder, S. H. (2006): "A descriptive study of youth risk behavior in urban and rural secondary school students in El Salvador." *BMC International Health and Human Rights*, 6:3 (<http://www.biomedcentral.com/1472-698x/6/3>).
- Stafstrom, M. (2007): "Kick back and destroy the ride: Alcohol-related violence and associations with drinking patterns and delinquency in adolescence". *Substance Abuse Treatment, Prevention and Policy*, 2:18
- Wolcock, M., & Narayan, D. (2000): Social capital: implication for development theory, research and policy. *World Bank Research Review*, Vol. 15, No.2.